

مطالعه‌ای بر ضرورت کاربرد روش‌شناسی‌های مبتنی بر هنر*

فاطمه سادات توابع قوامی^۱، پریسا شادقزوینی^۲
(دریافت: ۹۹/۷/۲۱ - پذیرش: ۹۹/۱۱/۴، نوع مقاله: پژوهشی)

چکیده

پیدایش روش‌شناسی‌های مبتنی بر هنر، یکی از جدیدترین رویدادهای قرن اخیر در عرصه روش‌های تحقیق کیفی در علوم انسانی و هنر، موضوع اصلی نوشتار حاضر است. روش‌شناسی‌های مبتنی بر هنر، با فرا رفتن از روش‌های عقلانی و معرفتی تجربه هنری به عنوان شکلی از تفکر، موجب تغییر دیدگاه پارادایمی غالب در پژوهش شده و شیوه‌های متنوع و جدیدی برای پژوهیدن و ارتباط با جهان فراهم کرده‌اند. شناخت، معرفی و مطالعه ضرورت‌های آن‌ها از اهداف این جستار است که با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی، و راهبردهای استقرایی و استنباطی صورت گرفته است. پرسش‌های هستی‌شناختی این نوشتار عبارت‌اند از: روش تحقیق مبتنی بر هنر چیست؟ چه نوع‌هایی وجود دارند؟ ویژگی‌ها، اهداف، خاستگاه و کاربرد آن‌ها چیست؟ به موجب رهیافت این پژوهش، هشت روش‌شناسی مبتنی بر هنر وجود دارند که هنر را در وجوه مختلف و ابعاد گوناگون مورد توجه قرار می‌دهند. این روش‌شناسی‌ها علاوه بر امکاناتی که در فرایند، جمع‌آوری، تحلیل، ارائه داده‌ها و دیگر بخش‌های تحقیق، به پژوهش عرضه می‌کنند، زمینه‌هایی برای فعال‌سازی جنبه‌های حسی، عاطفی و زیبایی‌شناختی ادراک پژوهشگر فراهم کرده و موجب تحول در نظام روشی پژوهش شده‌اند. پذیرش فعالیت هنری به مثابه پژوهش و همچنین تثبیت این روش‌شناسی‌ها به صورتی مستقل از روش‌شناسی‌های علوم انسانی و اجتماعی، از چالش‌های متفکران این عرصه است.

کلیدواژه‌ها

روش تحقیق هنر، روش‌شناسی مبتنی بر هنر، پژوهش هنرمندانه، روش تحقیق کیفی، علوم انسانی.

* این مقاله از رساله دکتری پژوهشی فاطمه سادات توابع قوامی (گروه هنر دانشگاه الزهرا)، با عنوان «رویکرد وجودی به روش تحقیق در هنرهای تجسمی، با راهنمایی دکتر پریسا شادقزوینی و مشاوره آقای منصور براهیمی (مدیر گروه هنر «سمت») استخراج شده است.

۱. دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا.

۲. دانشیار، دانشگاه الزهرا، دانشکده هنر، گروه هنر، تهران، ایران (shad@alzahra.ac.ir) (نویسنده مسئول).

Methodologies of arts: Study for Necessity and Applications*

Fatemeh Sadat Tavabeh Ghavami¹, Parisa Shad Qazvini²

Abstract

Research Methodology is an integral part of a research and is considered as the most important course in the curriculum. The focus of the present study is on the art-based methodologies, as one of the most recent phenomena in the qualitative research in arts and humanities. These kinds of methodologies introduce the artistic experience as a way of thinking which is beyond the logical methods. They change the dominant paradigmatic attitude in research and provide more means to understand and connect with the world. The goal of this literature is to understand, introduce, and study such methodologies using descriptive phenomenology, retroductive and reductive strategies and answer the following ontological questions: What is the art-based research? What are the different types of such methodologies? What are the specifications and goals of these methodologies? As a result of this paper, there are eight art-based methodologies which provide means for processing, gathering, analysis, and data presentation, such methodologies create opportunities for activating the sensitive, emotional, and aesthetic perception of a researcher, which revolutionizes the research methodology. Accepting an artistic practice as a research methodology and establishing such methodologies in this field, independent from the ones in humanities and social sciences, is challenging for the many scholars.

Keywords

Art Research methods; Art -based research methodology; Artistic Research; Qualitative Research; Humanity Sciences.

* This research has been extracted from a PhD dissertation titled "Existential Approach to Research Methodology in Visual Arts" in Art Department at Al-Zahra University which is supervised by Dr. Parisa Shad Ghazvini and Mansoor Barahimi (Dead of the Department of Visual Arts)

1. PhD Candidate in Art Research, Al-Zahra University.
2. Associate Professor, Al-Zahra University, Art Faculty, Art Department, Tehran, Iran (shad@alzahra.ac.ir) Res. Author

مقدمه

«روش تحقیق» و «هنر» مفاهیمی اند که در ظاهر نامتجانس و دور از هم به نظر می‌رسند؛ زیرا هنر در نظر کلی و عام، به ساحتی متعلق است که رها و آزاد بوده، با چارچوب و روش، آن هم در قالب «روش تحقیق»، سروکاری ندارد. روش تحقیق نیز به فضایی تعلق دارد که در آن قاعده و قانون و رویکرد و نظریه، بیش از توجه و پردازش، در قوه خیال و شهود جلوه‌گری می‌کند؛ در نتیجه، روش و روش‌شناسی در حوزه‌های علوم انسانی رشد بیشتری یافته و مرجع روش تحقیق برای امور هنری و دانشگاه‌های مرتبط نیز شده است. اکنون که روش‌شناسی‌های علوم انسانی بعد از گذشت بیش از یک قرن در حال تثبیت شدن اند، نگاه‌ها به سمت وسوی علوم هنری سوگرفته است و در نتیجه، از عمر این رویداد کمتر از نیم قرن می‌گذرد.

کروول گری^۱ و جولیان ملینز^۲ که هر دو هنرمند، پژوهشگر و از نویسندگان کتب و مقالات متعدد درباره مدیریت پژوهش و مباحث مربوط به عمل و پژوهش اند، در اولین مقاله مرتبط خود با عنوان «روش‌شناسی‌هایی/رویه‌هایی پژوهش برای هنرمندان و طراحان [دیزاینرها]»^۳ تصریح می‌کنند (Gray & Malins, 1993):

یکی از چالش‌انگیزترین و پرفشارترین موضوعات مورد توجه پژوهشگران در زمینه هنر و طراحی [دیزاین]، پرسش و بحث در مورد ماهیت پژوهش به منظور ارائه «روش‌شناسی‌های هنری» است؛ مجموعه‌ای از رویکردهای روش‌شناختی که نه تنها نسبت به «روش‌شناسی علمی» کمتر مورد اهمیت و اعتبار نیست، بلکه کاملاً متناسب با ماهیت هنر و طراحی [دیزاین] است.

این پرسش و این بحث، متعلق به جنبش و رویدادی در عرصه روش تحقیق است که تاکنون مراحل مختلفی را طی کرده و به تشکیل روش‌شناسی‌هایی با نام‌های متعدد انجامیده است؛ درحالی‌که شناخت چندانی از آن‌ها وجود ندارد و حتی نام برخی به گوش آشنا نیست. این که آن‌ها چه هستند و نتایج چنین تحول و تغییری در نگاه پژوهشگران - چه از حوزه علوم انسانی و چه هنر - به کجا منجر شده و اکنون در کجای جغرافیای روش و تحقیق قرار دارد، از جمله مسائل پژوهش حاضر است.

۱. Carole Gray؛ هنرمند و پژوهشگر، از نویسندگان کتاب بصری‌سازی پژوهش و دیگر کتب مرتبط.

۲. Julian Malins؛ نویسنده معاصر، مدیر پژوهشی، مدرس تکنولوژی طراحی (دیزاین)، مبدع سرفصل و سرفصل‌های مرتبط با تفکر طراحی و کارآفرینی (design thinking and entrepreneurialism) و از نویسندگان کتاب بصری‌سازی پژوهش.

3. Research procedures/methodology for artists and designers

ضرورت و اهمیت پژوهش

به نظر می‌رسد از زمانی که زمزمه‌های گسترش روش‌شناسی‌های پژوهشی و چرخش نگاه پژوهشگران به سمت هنر آغاز شد، همچنان برخی پژوهشگران، چه در ایران و چه در جهان، از وجود چنین روش‌شناسی‌ها و بروز چنین نگاهی در عرصه روش تحقیق بی‌خبرند. از سوی دیگر، در درس «روش تحقیق»، در رشته‌های هنر، در ایران و جهان، منبع یا کتاب‌های چندانی وجود ندارد و دانشجویان آن‌ها در میان روش تحقیق‌های متعدد علوم انسانی سرگردانند. گفتنی است برخی روش‌شناسی‌های معرفی شده در این نوشتار خاستگاه علوم انسانی دارند نه هنری، اما به نظر می‌رسد که میان رشته‌ای‌اند و برای هر دو حوزه به کار می‌آیند؛ نیز نه تنها چشم‌اندازهای بدیع و تازه‌ای به روی پژوهش باز می‌کنند، بلکه گره‌گشای مشکلات زیادی در عرصه روش تحقیق هستند. مقاله حاضر، از منظر هستی‌شناسی، به چستی این روش‌شناسی‌ها می‌پردازد و ماهیت آن‌ها را بررسی می‌کند. از بُعد معرفت‌شناسی، روش‌شناسی‌های مبتنی بر هنر و تمامی تلاش‌هایی که تاکنون در این زمینه انجام شده، نوعی معرفت است که به واسطه آن، ماهیت پژوهش ابعاد تازه‌ای خواهد یافت. رویکرد پدیدارشناسی توصیفی، حیث روش‌شناختی این مقاله را تأمین کرده است. آنچه انگیزه و آغاز پژوهش حاضر را رقم زد، باور نویسندگان این نوشتار بود: ماهیت روش تحقیق منحصر به علوم طبیعی و انسانی نیست. همچنین پژوهش و تحقیق نمی‌تواند امری انحصاری در حوزه‌ای باشد که تاکنون به نام «دانش» شناخته شده است، بلکه مفاهیم علم و دانش، و همچنین جهان پژوهش و تحقیق، قابلیت بازنگری از منظرهای دیگر، نظیر هنر را هم دارد. بدین ترتیب، سؤال‌های هستی‌شناختی پژوهش شامل این موارد است: روش تحقیق مبتنی بر هنر چیست؟ رابطه روش تحقیق و هنر در تاریخ روشی علوم، و علوم انسانی چیست؟ چه روش تحقیق‌هایی مرتبط با هنر وجود دارند؟ این روش‌شناسی‌ها چه ویژگی‌هایی دارند؟ ضرورت‌ها و کاربردهای آن‌ها چگونه است؟

مفاهیم معرفت‌شناختی، نظیر این که چطور می‌توان به معرفتی دست یافت که براساس آن بتوان پژوهش‌های مبتنی بر هنر را درک و دریافت نمود و آن را به حیطه روش‌شناسی‌ها راه داد یا این که این روش‌شناسی‌ها دقیقاً و با جزئیات چگونه عمل می‌کنند، مورد نظر نوشتار حاضر نیست، زیرا این مبحث خود نیازمند جست‌وجو و پژوهشی جداست؛ ضمن این که خود رویداد، هنوز کاملاً به مرحله تدوین نرسیده و در حال تکوین است. بنابراین عرصه چستی این مبحث، یعنی روش تحقیق و هنر - هنوز جای کار بسیار

دارد و از اهداف اولیه پژوهش حاضر است. هدف دوم، بررسی ضرورت‌ها، کاربست‌ها و چشم‌اندازهایی است که از طریق آن‌ها به عرصه روش تحقیق و هنر گشوده خواهد شد. با توجه به این که سؤال‌های اصلی این پژوهش مبتنی بر سؤال‌های هستی‌شناختی است، در فرایند آن از راهبردهای استقرایی (در مراحل گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها و تعمیم استقرایی) و استقهامی (در بخش تفسیر پدیده تحت بررسی، شیوه‌های مفهوم‌بندی و معنابخشی و معرفت‌ضمنی در آن) بهره‌گیری شده است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی معتبر بوده است. محدودیت‌های این پژوهش، یعنی تازگی و کم‌شناخته بودن موضوع این مقاله، سبب شد تا این نوشتار دو ویژگی داشته باشد:

۱. مقاله بیشتر جنبه توصیفی دارد (روش توصیفی)، اما نه توصیفی که مانند یک راهنما یا کاتالوگ عمل می‌کند، بلکه توصیفی که در پی شناخت است و پژوهشگر در حال دریافت جنبه‌های شناخته شده یا ناشناخته این پدیده است.

۲. این عرصه جدید، چه در ایران و چه در جهان، هنوز تازه است و در نتیجه، بخش زیادی از متون، ترجمه مطالبی است که درباره این موضوع نوشته شده (مقاله حاضر) است؛ مطالبی پراکنده، پرتناقض و پرچالش. بنابراین نویسندگان این نوشتار با این مسائل روبه‌رو بودند: مطالب دسته‌بندی نشده‌اند؛ موضوع هنوز کاملاً شکل نگرفته است؛ از منظرها و خاستگاه‌های متفاوتی به آن پرداخته شده است؛ درحالی که هنوز تفکیکی برای این منظرگاه‌ها وجود ندارد و خود نویسندگان منابع موجود همچنان در حال پژوهش و بساختن دانش‌اند. از همین رو، از منظرها و خاستگاه‌های متفاوت به این روش‌شناسی‌ها پرداخته شده و هنوز تفکیک و طبقه‌بندی‌ای برای آن‌ها ارائه نشده است. بدین ترتیب، هدف نویسندگان این مقاله، نه تنها ادعایی برای شناخت کامل این عرصه نیست، بلکه آن را شروعی برای گام نهادن در عرصه‌ای با توانایی بسیار بالا و افق‌هایی گسترده از جلوه‌های بسیار ارزشمندی می‌دانند که در زمینه روش تحقیق و هنر وجود دارد.

پیشینه پژوهش

به نظر می‌رسد کتب روش تحقیق در ایران با نابسامانی‌هایی روبه‌روست و همچنان در حال تدوین و تکمیل است؛ چنان که احمد محمدپور، استاد و نویسنده معاصر درباره نگارش سه کتاب مرتبط خود، بر این باور است که: «با یک رویکرد انتقادی به وضعیت

نابسامان» کتب روش تحقیق در ایران، اقدام به نگارش سه گانه روش شناختی خود نموده است (محمدی، ۱۳۹۱).

بدیهی است، اظهارنظر در مورد وضعیت کتب روش تحقیق در علوم انسانی در صلاحیت و تخصص نویسندگان این مقاله نیست، اما در مورد کتب مرتبط با علوم هنری می‌توان گفت: در واقع منابع فارسی روش تحقیق خاص هنر، تعداد محدودی (۹ عنوان) را شامل می‌شود که تقریباً در هیچ کدام، این موضوع مطرح نشده و تنها جمع‌بندی از روش‌های موجود کمی و کیفی علوم انسانی و معرفی آن‌ها ارائه شده است.

از میان کتاب‌های ترجمه‌شده سه کتاب مفید و کاربردی وجود دارد: (۱) *بصری‌سازی پژوهش: روش تحقیق در هنر و طراحی* (گری و ملینز، ۱۳۹۴)؛ کتابی که از گام‌های اولیه ورود هنر در نقش ابزاری به عرصه پژوهش است و همان‌طور که از نامش پیداست، به چگونگی تصویری کردن مراحل پژوهش می‌پردازد. (۲) *راهنمای تحقیق و نگارش در هنر* (بارنت، ۱۳۹۲)، محصول انتشارات پیرسون در ۱۹۸۱ (با چاپ یازدهم در ۲۰۱۴) که بیشتر بر آماده‌سازی ذهنی دانشجویان در پرسشگری و تحقیق بر مواردی مانند چرایی نوشتن درباره هنر، چستی نقد هنری و ماهیت و کاربرد مقوله تفسیر در هنر تمرکز دارد؛ نیز منبع بسیار مناسبی است که پیش‌زمینه لازم در امور تحقیق برای دانشجویان رشته‌های تجسمی هنر فراهم می‌کند. این اثر در سازمان «سمت» به چاپ رسیده است (۳) *روش‌شناسی‌های هنر* (آدامز، ۱۳۸۸) که بر اساس رویکرد این کتاب، مطالعه و تحقیق درباره «تاریخ هنر» به روش‌شناسی‌های منسجم نیاز دارد که در کتاب نیز معرفی شده‌اند؛ اما، همچنان نیاز اهالی هنر برآورده نشده است.

در مورد منابع غیر فارسی می‌توان به این آثار اشاره کرد: (۱) یکی از کامل‌ترین نمونه‌ها، کتاب شناخته‌شده و ۷۲۰ صفحه‌ای *هنرها در پژوهش‌های کیفی*^۱ (Knowles & Cole, 2008) است که از منابع این نوشتار نیز هست و آن را انتشارات دانشگاهی و پژوهشی به نام «سیج»^۲ (Sage) - که از سال ۱۹۶۵ شروع به کار کرد و یک ناشر دانشگاهی جهانی متمرکز بر پژوهش و روش تحقیق شناخته شده است - چاپ کرده است؛ اساس کتاب مذکور بر روش‌های کیفی در علوم اجتماعی، و به کار بردن هنر برای گسترش و توانمندی

1. *Handbook of the Arts in Qualitative Research: Perspectives, Methodologies, Examples and Issues*

۲. این بنیاد هر ساله بیش از هزار نشریه و ۹۰۰ کتاب جدید و خدمات دیگر در زمینه پژوهش دانشگاهی، روش تحقیق و کتابداری ارائه می‌کند.

پژوهش است. ۲) کتاب پژوهش هنرمندانه: نظریه‌ها، روش‌ها و فعالیت‌ها^۱ (Hannula et al., 2005) که به ادعای نویسندگان آن، اثرشان اولین کتاب با تحلیل روش شناختی متمرکز بر این موضوع است. ۳) کتاب تعارض گروه‌های آموزشی: چشم‌اندازهایی بر پژوهش هنرمندانه و دانشگاهی^۲ (Borgdorff, 2012) که از کتاب‌های بسیار مهم این عرصه است و بر خلاف کتاب اول، خاستگاه علوم هنری دارد.

از کتاب‌های راهنما (هندبوک) و دایرةالمعارف‌ها نیز می‌توان به: ۱) راهنمای بین‌المللی پژوهش هنرهای میان‌فرهنگی راتلج^۳ (Burnard et al., 2010) و ۲) مجموعه (کامپنیون) پژوهش در هنرهای راتلج^۴ (Biggs & Karlsson, 2010) اشاره کرد که مانند کتاب منتشر شده از سوی انتشارات «سیج»، خاستگاه علوم اجتماعی، آموزش و علوم انسانی داشته، در راستای پژوهش‌های کیفی به هنر نظر دارند. نویسندگان کتاب مذکور معتقدند (Knowles & Cole, 2008: 14):

ظهور و رشد انواع مجلات آنلاین و چاپی و تم تثبیت شده در موضوعات مجلات، کنفرانس‌هایی که کارشان برجسته کردن هنر در پژوهش است، انتشار کتاب، جلسات، همایش‌ها و غیره، همگی به طور جدی نشان می‌دهند که روش‌های مبتنی بر هنر، چه جایگاهی در روی نقشه پژوهش‌های کیفی یافته‌اند، و از جمله این کتاب که آغازی است برای این راه.

مقالات مذکور - و دیگر پژوهش‌ها که اشاره به آن‌ها در فرصت مقاله حاضر نمی‌گنجد - همگی در تلاش‌اند تا به روشنگری پرداخته، از این مفاهیم ابهام‌زدایی کنند. تقریباً هیچ‌کدام از آن‌ها اشاره‌ای به درس روش تحقیق در دانشگاه و نیز نیاز دانشجویان - از هر رشته‌ای - نکرده‌اند. شاهد این مدعا جست‌وجوی گسترده‌ای است که طی نگارش این مقاله، در سرفصل روش تحقیق دانشگاه‌های جهان - آن‌هایی که در میان همه دانشگاه‌ها رنکینگ بالایی داشتند و نیز در هنر از رنکینگ بالا برخوردار بودند - صورت گرفت. تقریباً در هیچ‌کدام از دروس روش تحقیق، اشاره‌ای جدی به این روش‌شناسی‌ها نشده بود، اگرچه در برخی بخش‌ها و سرفصل‌های دیگر برای معرفی اشاره شده بودند. بدین ترتیب در قسمت‌هایی که دانشجویان و محققان برای چگونگی پژوهش و

1. *Artistic Research: Theories, Methods and Practices*

2. *The Conflict of the Faculties: Perspectives on Artistic Research and Academia*

3. *The Routledge International Handbook of Intercultural Arts Research*

4. *The Routledge Companion to Research in Arts*

جست‌وجو نیاز به اطلاعاتی دارند، همچنان روش‌شناسی‌های علوم انسانی در اولویت قرار داشت؛ ضمن این‌که جریان‌های موازی و زنده این جریان که در حال تکوین است نادیده گرفته نشده بود. شایان ذکر است که یک پایان‌نامه مرتبط با عنوان با عملکرد هنرمندان به مثابه پژوهش را در سال ۱۳۹۶ در دانشگاه الزهراء، خانم حمیده آتش‌پا - با راهنمایی خانم دکتر زهرا پاکزاد - در مقطع ارشد ارائه کرده است.

در خصوص روش‌شناسی‌های مبتنی بر هنر تاکنون، هشت روش‌شناسی در رابطه با هنر و روش تحقیق شناخته شده‌اند؛ گرچه معادل‌هایی که اینجا آورده شده‌اند، همچنان نیاز به تعمق و تدبیر بیشتری دارند. این هشت روش‌شناسی عبارت‌اند از: (۱) آرتوگرافی،^۱ (۲) پژوهش هنر بنیان^۲ (ABR)، (۳) پژوهش بر پایه هنرها،^۳ (۴) پژوهش بر پایه تصاویر،^۴ (۵) پژوهش هنر - آگاه،^۵ (۶) پژوهش هنرمندان،^۶ (۷) پژوهش کارورزانه (عمل محور)^۷ و (۸) تحقیق شعری (تغزلی)^۸. از میان آن‌ها پژوهش کارورزانه (عمل محور) حوزه بسیار گسترده‌ای دارد. به نوعی تمام روش‌شناسی‌های مبتنی بر هنر، از هر شاخه و رشته هنری، چون با عمل سروکار دارند در زمره آن قرار می‌گیرند؛ «تحقیق شعری (تغزلی)» با هنرهای ادبی سروکار دارد و شش روش‌شناسی دیگر به هنرهای تجسمی مرتبط‌اند.

روش تحقیق در گستره دانش

روش‌ها و روش‌شناسی‌ها در طول زمان دستخوش تغییرات بسیاری شده و شاخه‌های متنوع و گسترده‌ای یافته‌اند. بر همگان پوشیده نیست که تولد روش تحقیق به شکل دانشگاهی آن در حوزه علوم طبیعی رخ داده و تا مدت‌ها در زیر پرچم پوزیتیویسم^۹ - به منزله روش‌شناسی «کمی» و سردمدار تحقیق و پژوهش - بوده است. شاید اغراق نباشد اگر بگوییم که هنوز و همچنان، این سایه و این پرچم در بسیاری از تحقیق‌ها حاکم است؛ یعنی

1. a/r/tography
2. Art Based Research
3. arts-based research
4. visual images in research
5. art informed research
6. artistic research
7. practice-based research
8. lyric inquiry

۹. positivisme، مکتبی متعلق به فلسفه علم که شناخت را مبتنی بر ادراک، شواهد تجربی و تجربه حسی می‌داند.

سنتی که شناخت و واقعیت را مبتنی بر تجربه حسی و شفاف بودن هر آنچه پیش روی ماست، می‌داند. در نتیجه تا مدت‌ها این باور مسلط وجود داشت که «روش‌های علوم طبیعی که باعث ظهور نتایج برجسته‌ای شده‌اند، تنها روش موجودند و باید برای تمام رفتارهای انسان به کار روند. در مقابل، مکتب دیگری نیز وجود دارد که به رویکرد انسان‌گرایی موسوم است و عنوان می‌کند که در ساختار جهان اجتماعی و جهان طبیعی، تفاوتی اساسی وجود دارد» (محمدپور، ۱۳۸۹: ۹۵) و همین دیدگاه بود که زمینه‌های تولد علوم انسانی و روش‌های مختص آن از جمله «کیفی» را فراهم کرد.

رویکرد انسان‌گرایی و در پی آن ظهور روش تحقیق کیفی مدیون هانس گنورگ گادامر^۱ است. وی در کتاب حقیقت و روش (۱۹۶۰) خود می‌گوید (قره‌بیگی، ۱۳۹۲):

در علوم انسانی کسی نمی‌تواند ماهیت یا روح انسان را در دست بگیرد و همانند علوم طبیعی آن را با سنج‌های این علم طبیعی قاعده‌مند پیشرو اندازه بگیرد. ... آنچه اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، اهمیت دادن به فهم یک پدیده انسانی در یک قالب و ساختار تاریخی خاص خود است، وانگهی فهم چنین پدیده‌هایی همانند فهم علوم طبیعی نیست که در پی شناخت، و آنگاه ساختن یک قانون جهانی باشد - یعنی درباره همه انسان‌ها، گروه‌ها و دولت‌ها نظری یکسان دهد - بلکه تنها در پی کشف این نکته است که چگونه این مردمان یک پدیده اجتماعی را شکل داده‌اند یا چگونه آن را می‌فهمند؟ همین!

چنین بود که در پی تشکیل رسمی علوم انسانی، و هم‌زمان با رشد روش/روش‌شناسی کمی و حاکمیت اثبات‌گرایی، روش‌های کیفی شروع به ظهور کردند و تنوع جریان‌های علوم انسانی و روش تحقیق گسترش بیشتری یافت. در شناخت و توصیف روش تحقیق کیفی، یکی از بهترین تعریف‌های ممکن از آن نورمن بلیکی^۲ است. وی با تجربه چندین ساله خود در امر تحقیق کیفی و ترکیبی، و تدریس به دانشجویان رشته‌های مختلف (از جمله هنر) ید طولانی در آموزش و تبیین این موضوع دارد و کتاب‌هایش مرجع بسیاری از دانشجویان علوم انسانی است. بلیکی درباره روش تحقیق کیفی می‌گوید (بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۷۱):

۱. Hans-Georg Gadamer (۱۹۰۰-۲۰۰۲)، فیلسوف آلمانی و از پیشگامان هرمنوتیک فلسفی که به خاطر کتاب حقیقت و روش خود بسیار شناخته شده است.

۲. Norman Blaikie (۱۹۳۳-)، استاد جامعه‌شناسی، مدرس روش تحقیق و نویسنده کتب روش تحقیق که در سیچ (نشر دانشگاهی جهانی) به چاپ رسیده‌اند.

این سنت به دنبال نقد پارادایم‌های عینی‌گرا (اثباتی و پسااثباتی)، به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰، با توجه به نیازهای علوم انسانی گسترش یافت و تا دهه ۱۹۹۰ به اوج شکوفایی نسبی رسید و از نظر فلسفی و فکری بر رویکردهای ذهن‌گرا، تأویلی، برساختی - تفسیری^۱ و به‌طور کلی غیر اثباتی استوار است. سنت کیفی امروزه روش‌های تحقیق متعددی را در بر می‌گیرد و در رشته‌های گوناگونی از جمله علوم انسانی رواج دارد. روش‌های کیفی را عمدتاً به مثابه فنون مرتبط با گردآوری، تحلیل، تفسیر و ارائه اطلاعات و داده‌های شفاهی و روایتی، گفتمانی و به‌طور کلی غیر عددی تعریف می‌کنند.

در پی تحولات روش تحقیق به این دو دیدگاه ختم نمی‌شود و روش تلفیقی یا ترکیبی، سنت دیگری است که در کمتر از دو دهه اخیر به صورت رسمی ایجاد شد؛ گرچه سابقه تاریخی غیر رسمی آن به بیش از پنج دهه می‌رسد. در واقع «دوره شکل‌گیری روش‌های تلفیقی از سال ۱۹۵۰ آغاز شد و تا پایان ۱۹۹۰ ادامه داشت. این دوره مصادف با نخستین گرایش‌ها برای به کارگیری بیش از یک شیوه در تحقیق است» (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۰).

تحقیق ترکیبی - به عنوان زمینه‌ساز روش‌شناسی‌های مبتنی بر هنر - را می‌توان هم‌زمان با گسترش بحث‌های پارادایمی در نظر گرفت؛ دوره‌ای که مباحث پارادایمی و اهمیت آن در روش و روش‌شناسی تحقیق جان تازه‌ای می‌یابد. اتکای اصلی فلسفی و فکری روش ترکیبی به ظهور پارادایم پراگماتیسم^۲ و در نتیجه ترکیب دو روش‌شناسی کمی و کیفی در همه مراحل تحقیق برمی‌گردد. «این پارادایم از تقابل سنتی روش‌شناختی کمی - کیفی اجتناب می‌کند و روشی را پیشنهاد می‌کند که اگرچه از هر دو بهره می‌گیرد، خود یک روش‌شناسی متمایز است» (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۳). در پی همین ترکیب و تلفیق بود که زمینه‌های آماده‌سازی تلفیق دیگری که رو به هنر داشت، شکل گرفت.

زمینه‌های شکل‌گیری روش‌شناسی‌های مبتنی بر هنر

در انتهای قرن بیستم، روشنگری‌های مهمی در خصوص مباحثه کار پژوهشی و کار عملی صورت گرفت که همچنان رو به گسترش است. در زمینه‌های شکل‌گیری روش‌شناسی‌های مبتنی بر هنر، از زاویه‌های متفاوتی به هنر و ارزش‌های آن در

۱. دیدگاه‌هایی انسان‌گرا که بر اساس آن معنا کشف نمی‌شود، بلکه ساخته می‌شود.

۲. pragmatisme یا عمل‌گرایی که در اواخر قرن نوزدهم به جان دیویی، چارلز سندرز پرس و ویلیام جیمز منتسب شد.

روش‌شناسی توجه شده که حداقل پنج وجه آن عبارت است از: (۱) نیازهای اهالی هنر، (۲) نیازها و کمبودهای روش تحقیق‌های موجود، (۳) نظریه‌پردازی‌های مرتبط با جایگاه هنر و رای صرفاً تأثرات زیبایی‌شناختی، (۴) تغییر در نگاه به پژوهش و فرایند پژوهش و (۵) بازنگری در مفهوم دانش و پژوهش؛ در ادامه، هریک بررسی می‌شود:

۱. نیازهای اهالی هنر: باید خاطر نشان کرد، روش تحقیق با وجود تمام پیشرفت‌هایی که در پی استقلال از روش‌شناسی علوم طبیعی داشته، همچنان با خود مفاهیم روش‌مندی، نظم، حساب و کتاب، قاعده و قانون، روایی، پایایی، عمومیت‌پذیری، اثباتی و غیره را در وجهی کلیشه‌ای، تأدیی و تجویزی یدک می‌کشد و با مفاهیمی نظیر احساس، تجربه شهودی، علم حضوری، ادراک و عاطفه بیگانه به نظر می‌رسد. اگرچه با تفکیک علوم انسانی از علوم طبیعی و توجه به لزوم روش‌های مخصوص علوم انسانی، به‌ویژه علوم اجتماعی، به لطف گادامر، پژوهش کیفی گسترش یافت و بعدها با اضافه شدن روش‌های تلفیقی یا ترکیبی، پژوهشگران عرصه گسترده‌تری را برای انجام دادن پژوهش‌های خود در اختیار داشتند، اما همچنان کافی نبود و نیست؛ زیرا در این میان، اهالی هنر که علاوه بر داشتن دغدغه‌های علوم اجتماعی و انسانی (و حتی علوم طبیعی!)، با مفاهیم وجود و زندگی، عمل، فرایند فعالیت و کار، شهود، احساس و عاطفه و هزاران مفهوم دیگر - که همچنان برای تعریف هنر کافی نیستند - سروکار دارند، ناچار بودند (و هستند) از روش‌های موجود کمی، کیفی و ترکیبی (اگر در فضای روشی جامعه هنری کاملاً شناخته شده باشند) استفاده کنند. آنان به دلیل نامناسب بودن یا کامل نبودن این روش‌شناسی و روش‌ها، هنوز پاسخی برای مسیریابی و اهداف خود نیافته‌اند و دور از احتمال نیست اگر بگوییم به همین دلیل ممکن است برخی پژوهش‌هایی که هنرمندان انجام می‌دهند، به بیراهه یا عقیم بودن رهیافت‌ها منجر شود. گری و ملینز در این باره اشاره می‌کنند:

فقدان رویه‌ها/روش‌شناسی‌های مناسب^۱، پژوهشگران هنر و طراحی^۲ را واداشته است تا از روش‌شناسی‌هایی استفاده کنند که برای علوم طبیعی و علوم اجتماعی ایجاد شده‌اند. برخی از آن‌ها مناسب و برخی دیگر فاجعه‌اند! به نظر می‌رسد رویه‌ها/روش‌ها^۳ اتخاذشده محققان در هنر و طراحی [دیزاین] در خطر افتادن بین دو اجبار قرار دارند: از یک سو،

۱. procedures / methodologies، نویسندگان مکرر از این شکل نگارش در مقاله استفاده می‌کنند.

۲. design

۳. procedures /methods

اجبار برای قرض گرفتن و انطباق دادن (ترجیحی یا عمومی) یک روش‌شناسی «استاندارد» که ممکن است پژوهش را نابود کند و از سوی دیگر، اجباری که به استفاده از یک شگرد و ابزار روش‌شناسی پیچیده اختراعی می‌انجامد و ممکن است پژوهش را تحریف کند یا برای به کارگیری در موقعیت‌های دیگر، کاربرد کمی داشته باشد. ... پژوهش هنر و طراحی [دیزاین] نیازمند یک رویکرد متمایز و استفاده از روش‌شناسی‌هایی / رویه‌هایی است که در عین مناسب و متناسب بودن با ماهیت رشته، نسبت به علوم اجتماعی و طبیعی کمتر جدی محسوب نشود و به همان اندازه مقبول باشد (Gray & Malins, 1993).

بنابراین، این وجه نشان از شروع دغدغه و نیازی است که در روش تحقیق حیطه هنر، به هدف استقلال از علوم انسانی آغاز شد. این جدایی به معنای تناسب نداشتن دو حیطه نبود و نیست، بلکه منظور گسترش چشم‌انداز روش تحقیق و رشد آن در جهات مختلف است؛ همان‌طور که با حرکت گادامر، محققان علوم انسانی از روش‌های علوم طبیعی فاصله نگرفتند و سرانجام به روش‌های ترکیبی روی آوردند.

۲. نیازها و کمبودهای روش تحقیق‌های موجود: اولین متفکری که توجه به ارزش‌های هنر برای جبران نیازهای پژوهش را خاطر نشان کرد، آیزنر^۱ (۱۹۶۷) بود. او که از حامیان اولیه توجه به هنر در پژوهش است، کوشید با توجه به تفاوت‌های بین رویکردهای علمی و هنری در تحقیقات کیفی آموزشی، دانشمندان علوم اجتماعی را تشویق کند تا روش‌های هنری را مکمل علم بپذیرند و از روایت‌ها در شکل رمان به عنوان نسخه‌های خطی مطلوب برای پایان‌نامه‌های دکترا استفاده کنند؛ نیز اقتباس از موسیقی، رقص و شعر [و هنرهای تجسمی] را اشکال بازنمایی تحقیق در نظر بگیرند (Knowles & Cole, 2008, 66).

پاتریشیا لوی^۲ از اندیشمندان معاصر نیز، در کتاب خود^۳ به نام *روش با هنر رود* می‌شود: *فعالیت پژوهشی مبتنی بر هنر*^۴، به زمینه‌های توجه به هنر در پژوهش چنین اشاره می‌کند (Leavy, 2009: 12):

چرخش در پژوهش‌های دانشگاهی به سمت هنر در ۱۹۷۰، نتیجه فعالیت‌های درمانی هنر است. پژوهشگران مراقبت‌های بهداشتی، پژوهشگران آموزش‌های خاص، روان‌شناسان، و

۱. Elliot Wayne Eisner (۱۹۳۳-۲۰۱۴)؛ استاد دانشگاه استنفورد و متفکر در زمینه هنر و آموزش.

۲. Patricia Leavy؛ جامعه‌شناس، استاد، رمان‌نویس و پژوهشگر معاصر با تمرکز بر پژوهش هنر بنیان. او بیش از سی کتاب منتشر کرد و آخرین کتابش در سال ۲۰۲۰ منتشر شد.

۳. کتاب او *مدام در حال به‌روز رسانی* است و آخرین نسخه آن مربوط به سال جاری است.

سایرین به طور فزاینده‌ای به سمت هنر برای کیفیت‌های درمانی، ترمیمی و توانمندسازی خود روی آورده‌اند. اگرچه تفاوت‌هایی بین شیوه‌های درمانی و شیوه‌های تحقیق وجود دارد، اما شکی نیست که دانش برگرفته از روش‌های درمانی مبتنی بر هنر، درک ما از روش‌های پژوهش مبتنی بر هنر را هدایت کرده است.

۳. نظریه پردازی‌های مرتبط با جایگاه هنر و رای صرفاً تأثرات زیبایی‌شناختی: تاریخ زیبایی‌شناسی و نظریه پردازی‌های مرتبط با هنر حاکی است که اگرچه در فضای روشی و روش تحقیقی، ممکن است جایگاه هنر در وهله اول دور یا نامناسب به نظر برسد، اما در نظریه پردازی و تفکر انتقادی، متفکران و نظریه پردازان چنین فکر نمی‌کنند و سالیان متمادی است که هنر الهام‌بخش، آغازگر و پدیدآورنده نظریه‌ها و رویکردهای مختلف بوده است. سوزان لانگر^۱ (۱۹۵۷) که یکی از همین متفکران است، می‌گوید (Knowles & Cole, 2008: 7):

هنر به دنبال بیان چه چیزی است؟ ... من فکر می‌کنم که هر کار هنری تا حدی به طور خالص و خیلی ظریف نه تنها بیانگر حس‌ها و احساسات هنرمند است، بلکه احساساتی را که یک هنرمند «می‌شناسد» و «می‌داند» منعکس می‌کند؛ و نیز دیدگاه او را به ماهیت احساسات و همچنین تصویر او را به تجربیات حیاتی، جسمی و عاطفی. چنین دانشی در گفتمان معمولی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد نه به این دلیل که این ایده‌ها بیش از حد بزرگ، یا بیش از حد روحانی یا هر چیز غیر قابل بیان دیگرند، بلکه این فرم‌های احساس و فرم‌های استدلالی از نظر منطقی غیر قابل مقایسه‌اند ... اگر کسی دیدگاه لانگر را بپذیرد آن وقت کیفیت‌های زندگی عاطفی که در روابط انسانی بیان شده‌اند، در زمینه آموزش و در شرایط گسترده‌تری که انسان‌ها با آن زندگی و کار می‌کنند، شاید با قدرت بیشتری آشکار شود. زمانی که فرم به صورت هنرمندانه شکل می‌گیرد و روش‌هایی که از طریق آن‌ها این فرم‌ها ظهور می‌یابند، به طور بالقوه نامحدود است؛ یعنی ممکن است از طریق شعر و شاعری صورت بگیرد، ممکن است از طریق موسیقی درک شود، ممکن است از طریق هنرهای بصری بیان شود و این گزینه‌ها تا جایی که بتوانیم تصور کنیم، باز هستند. نتایج تأملات متفکرانی همچون سوزان لانگر به همراه تغییراتی که در ساختار علم و دانش ایجاد شد، راه را برای ورود هنرها به دنیایی که در ظاهر جایی برای هنر نبود، یعنی پژوهش، باز کرد. تا پیش از این، هنر و فرایند هنری توانسته بود سرمنشأ، مولد، مؤثر یا ایجادکننده یک نظریه باشد. در ساحت نظریه مختصات انسانی، مانند حس و خیال و

۱. Susanne Katherina Langer (۱۸۹۵-۱۹۸۵)؛ فیلسوف، نویسنده و آموزگار امریکایی که به خاطر نظریه‌هایش درباره هنر و ذهن شناخته شده است.

عاطفه نیز جایگاه خود را دارند و متفکران درباره آن‌ها سخن‌پردازی می‌کنند؛ برای آن‌ها چه چیزی بهتر از هنر، که ناگفته‌ها را در قالب‌هایی غیرگفتنی عرضه می‌کند؟ اما در عرصه تحقیق و پژوهش، این که کار هنری یک پژوهش است، به سادگی قابل اثبات نیست؛ کم‌این که این مطلب همچنان محل چالش‌های بسیار است.

۴. تغییر در نگاه به پژوهش و فرایند پژوهش: گسترش روش تحقیق تلفیقی یا ترکیبی در علوم انسانی و تجربه این که چگونه می‌توان از وجهی بینایی عمل کرد و فقط به یک رویکرد وابسته نبود، به تغییراتی در فرایند پژوهش و نگاه به پژوهش انجامید. تغییرات مذکور، به همراه کمی و کاستی‌های عرصه روش تحقیق، کم‌کم زمینه‌های لازم را برای پژوهشی از نوع دیگر فراهم کرد. شاهد این مدعا گفته مونیکا پنتاسولیا^۱ (Pentassuglia, 2017) و خانم لوی (Leavy, 2009: 12) است:

در طول قرن گذشته، فرایند پژوهش به جای روش‌شناسی‌ای که با هدف تأیید فرضیه باشد، به عنوان یک فرایند شناختی تدوین شد و این یک نقطه عطف مهم برای پژوهش‌های علمی به شمار می‌رود. این تغییر عمده در تحقیقات دانشگاهی در دهه ۱۹۷۰ آغاز گردید و در دهه ۱۹۹۰، شیوه‌های مبتنی بر هنرهای معاصر، ژانر روش‌شناختی جدیدی را تشکیل دادند. ایده «هنر به عنوان پژوهش علمی» - در تعارض با دوگانگی و تصورات پوزیتیویستی از حقیقت و علم - مطرح شد و راه را به سوی گسترش آنچه برای تحقیقات دانشگاهی قابل پذیرش باشد، ایجاد کرد.

۵. بازنگری در مفهوم دانش و پژوهش: در پی تغییر در نگاه به پژوهش، مفهوم دانش نیز مورد بازنگری قرار گرفت و علم نیازمند تعریف دوباره از حیطه‌ها و معناهای مرزشناختی خود شد. این که چه چیزی دانش و علمی محسوب می‌شود یا نمی‌شود، مورد توجه انجمن‌ها و بنیادهای جهانی نظیر نستی^۲ (NESTI) و اداره ارزیابی تحقیقات بریتانیا قرار گرفت. از سوی دیگر، واضعان روش‌شناسی‌های مبتنی بر هنر، مفهوم پیشین دانش و علم را به چالش کشیدند و کوشیدند ثابت کنند که فعالیت هنری با فعالیت علمی تفاوتی ندارد و محصول کار هنری دانش است (در این مورد در بخش معرفی شش روش‌شناسی بیشتر توضیح داده شده است). جدول ۱ گاه‌شمار تاریخی این جریان است که بر اساس اشارات تاریخی در متون مورد مطالعه تهیه شده است.

۱. Monica Pentassuglia؛ عضو دپارتمان فلسفه، آموزش و روان‌شناسی دانشگاه ورونا.

2. National Experts on Science and Technology Indicators

جدول ۱ گاه‌شمار زمینه‌های پیدایش روش‌شناسی‌های مبتنی بر هنر

منبع	رخداد	تاریخ
Pentassuglia, 2017	پیشنهاد «تصویرسازی هنری» به عنوان جست‌وجوگری و تحقیق ^۱ از سوی کارل یونگ، روان‌شناس سوئیسی.	۱۹۱۴
Pentassuglia, 2017	استفاده از اصطلاح تحقیق هنرمندانه ^۲ به منظور جایگاه مشارکت هنرمندان در فرایند پژوهش از سوی فیلسوف امریکایی تئودور، م. گرین ^۳ .	۱۹۴۰
Knowles & Cole 2008: 11	استدلال سوزان لانگر مبنی بر این که آثار هنری نشان‌دهنده توان هنرمند برای ایجاد ساختاری از فرم هاست و روابط بین فرم‌ها در واقع مکمل تجارب احساسی انسان هستند. بنابراین، چیزی که هنرمند می‌تواند انجام دهد ارائه «روش‌هایی» است که از طریق آن احساسات شناخته می‌شود.	۱۹۵۷
محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۰	این سؤال مطرح شد که آیا می‌توان هر دو نوع داده را زمانی که با دیدگاه‌های متفاوت مطرح می‌شوند، بایکدیگر ترکیب کرد؟	۱۹۵۹
Eisner, 1963	توجهات و پژوهش‌های الیوت آیزنر در رابطه با هنر به عنوان همیار پژوهش و آموزش	۱۹۶۳
Leavy, 2009, 12; Pentassuglia, 2017	چرخش در پژوهش‌های دانشگاهی به سمت هنر در تغییر نگرش در تحقیقات دانشگاهی برای یافتن شیوه‌های پیشروتر در روش تحقیق.	۱۹۷۰
Hannula et al., 2005: 7	آغاز فعالیت‌های پژوهش هنرمندانه از سوی دانشگاه گوتنبرگ.	۱۹۷۰
Gray & Malins, 1993	مقالات متعدد کورنوک، محقق، هنرمند و مدرس نشان‌دهنده زمینه‌های تاریخی و آموزشی است که در آن، توجه عملی و تکنیکی روش، تبدیل به روش‌های متافیزیکی و روشنگرانه برای روش‌شناسی می‌شوند.	۱۹۷۸ ۱۹۸۳ ۱۹۸۴
Gray & Malins, 1993	مباحثه مفصلی در اداره ارزیابی تحقیقات بریتانیا درباره ماهیت «پژوهش» در هنر و طراحی [دیزاین] که در ابتدا مواضع مختلفی اتخاذ شد: کار عملی عین پژوهش است؛ کار عملی شبیه پژوهش است؛ کار عملی به هیچ‌وجه پژوهش نیست.	۱۹۹۰

1. inquiry
2. artistic inquiry
3. Theodore M. Green

ادامه جدول ۱

منبع	رخداد	تاریخ
Leavy, 2009: 12	در دهه ۱۹۹۰، شیوه‌های مبتنی بر هنرهای معاصر، ژانر روش‌شناختی جدیدی را تشکیل دادند.	۱۹۹۰
ELIA, 2019	دیدار شبکه تحقیقاتی الیا ^۱ در دانشکده هنر اوترخت به مناسبت چالش‌های محققان در زمینه هنر و طراحی، برای توسعه روش‌های مناسب.	۱۹۹۱
Leavy, 2009, 12; Pentassuglia, 2017	رأی اداره ارزیابی تحقیقات بریتانیا بدین صورت صادر شد: کار عملی حرفه‌ای نوعی پژوهش است.	۱۹۹۶
Irwin & Casson, 2017	اولین کتاب در زمینه آرتوگرافی در سال ۲۰۰۴ به وسیله ریتا اروین و الکس کازون نگاشته شد.	۲۰۰۴
EARN, 2004	تأسیس شبکه جهانی پژوهش هنرمندان اروپا ^۲ (EARN)	۲۰۰۴
Hannula et al., 2005: 7	انتشار اولین کتاب تحلیلی روش‌شناختی متمرکز بر «پژوهش هنرمندان».	۲۰۰۵
ICQI, 2020	برگزاری کنفرانس بین‌المللی تحقیقات کیفی ^۳ (ICQI) که از سال ۲۰۰۵ برگزار شده و همواره بخشی از آن به پژوهش‌های مبتنی بر هنر اختصاص یافته است.	۲۰۰۵
SAR, 2020 JAR, 2020	تأسیس انجمن پژوهش هنرمندان ^۴ (SAR) و مجله پژوهش هنرمندان ^۵ (JAR).	۲۰۱۰
ICQI, 2020	فراخوان بین‌المللی سالانه کنفرانس پژوهش هنرمندان دانشگاه هنر استکهلم وابسته به «ICQI» در موضوع پژوهش هنرمندان.	۲۰۲۰
Artistic Research Conference in Sweden, 2021	برگزاری کنفرانس‌ها و پروژه‌های پژوهش هنرمندان در شورای پژوهشی سوئد	۲۰۲۱

اصطلاح‌شناسی، تعریف و ضرورت

با اوصافی که به میان آمد، هنوز نمی‌توان نام دقیقی بر بسیاری از روش‌شناسی‌ها گذاشت،

۱. ELIA؛ شبکه بین‌المللی وابسته به شبکه اروپایی هنری و آموزشی که می‌کوشد فضای فعالی برای توسعه آموزش عالی هنر فراهم کند (ELIA, 2019).

2. European Artistic Research Network
3. International Congress of Qualitative Inquiry
4. Society for Artistic Research
5. *Journal of Artistic Research*

زیرا چگونگی ارتباط هنر با روش تحقیق «مبهم»، «متعدد» و «متفاوت» است. نام گذاری های موجود نیز بر اساس نوع ارتباط انجام نشده و چه بسا یک نام در چندین مدل متفاوت به کار می رود. در متون مختلف همچنان این عناوین در حال بررسی اند و از دو کتاب راتلج (Burnard et al., 2010; Biggs & Karlsson, 2010) یکی هیچ بخشی را به طور مشخص به این عناوین اختصاص نداده است (Burnard et al., 2010) و دیگری (Biggs & Karlsson, 2010) دو فصل به نام «پژوهش هنرمندانه» دارد. ویراستاران کتاب دوم درباره برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های مرتبط با عناوین و اصطلاحات می گویند (Biggs & Karlsson, 2010: 7):

ما متفق القول بودیم که یافتن شباهت های [کارهایی که تاکنون انجام شده] از تفاوت ها مهم تر است. آن ها در عنوان کاملاً متفاوت به نظر می رسند؛ مانند: پژوهش عمل - بنیان^۱، پژوهش هنر - بنیان^۲، پژوهش کاروانه^۳ و پژوهش هنرمندانه^۴. ... اما با وجود این تفاوت ها، واژه شناسی همگی دیدگاه مشترکی را نشان می دهند که حاکی از فعالیت جدیدی در عرصه هنر و هنرهای نمایشی است.

جولیان کلین^۵ نیز در مقاله خود به نام «پژوهش هنرمندانه چیست؟» به تمایزات متعددی از قول متخصصان - در خصوص رابطه بین هنر و روش تحقیق یا پژوهش - اشاره می کند. او این سه گانه را مطرح می کند: (۱) هنری که مبتنی بر پژوهش (پژوهش دیگر) است، (۲) هنری که از آن برای پژوهش (روش پژوهش) استفاده می شود و (۳) هنری که تولیداتش پژوهش است. و نیز دو گانه ای را از زاویه ای دیگر چنین نام می برد: (۱) پژوهش درباره / برای / از طریق هنر، و (۲) هنر درباره / برای / از طریق پژوهش (Klein, 2010).

در مجموع، اصطلاحاتی که در رابطه با روش های مبتنی بر هنر در بیشتر کتب و مقالات به چشم می خورند، شامل موارد زیر (با گسترده گی بیشتر اصطلاحات ۲ و ۵) است: (۱) Art-Based Research؛ (۲) Arts-Based Research؛ (۳) Practice-Based Research؛ (۴) A/R/Tography؛ و (۵) Artistic Research. سه اصطلاح دیگر که تقریباً تنها در کتاب هنرها در پژوهش های کیفی - ذکر آن آمد - به کار رفته اند عبارت اند از: (۶) Arts-Informed

1. practice-based research
2. art-based research
3. practice-led research
4. artistic research

۵. Julian Klein؛ از پژوهشگران معاصر و مدیر مؤسسه پژوهش هنرمندانه در برلین آلمان. تحویلات او در زمینه آهنگسازی، تئوری موسیقی، ریاضیات و فیزیک است.

کتاب هنرها در پژوهش‌های کیفی معرفی شده‌اند و در منابع دیگر، نامی از آن‌ها دیده نمی‌شود.

از آنجا که هنوز اتفاق نظر و تعریف مشخصی برای این روش‌شناسی‌ها وجود ندارد، برای یافتن معنا و مفهوم دقیق آن‌ها نمی‌توان به دایرةالمعارف‌ها رجوع کرد و فرهنگنامه‌های معتبر هنوز چنین اصطلاحاتی را وارد نکرده‌اند! پنج اصطلاح اول در همه جای وب به چشم می‌خورند و در بسیاری موارد به جای هم به کار می‌روند، اما قانون مشخصی وجود ندارد تا معلوم شود که وقتی این کلمات با هم به کار می‌روند، به چه معنا هستند؟ آیا با پژوهش در هنر روبه‌رو هستیم یا پژوهش از طریق هنر؟ آیا با پژوهش در رشته هنر سروکار داریم یا پژوهش به مثابه هنر؟ آیا رابطه پژوهش و هنر مشخص است؟ اگر هنر به مثابه یک فرایند در نظر گرفته شود، مسیر چگونه خواهد بود؟ و الی آخر.

بنابراین، موارد زیر همچنان در حال شکل‌گیری است: (۱) هر عنوانی که برای هر روش‌شناسی به کار می‌رود و تفاوت‌هایی که با هم دارند و (۲) خاستگاه آن روش‌شناسی از کجاست، و به چه قصد و هدفی پدید آمده است. برای مثال ممکن است یک محقق علوم انسانی دغدغه تکمیل کردن روش‌شناسی‌های خود و فراتر رفتن از افق‌های موجود در رشته و زمینه خود را داشته باشد، یا یک محقق هنر به دنبال راهکارهای متناسب‌تر برای اندیشه‌ها و آرمان‌های خود باشد. در برخی از روش‌شناسی‌ها به هنر به منزله ابزاری تسهیل‌گر توجه می‌شود و در برخی صرفاً بصری‌سازی پژوهش مورد نظر است. گاهی بر همکاری بین هنرمند و پژوهشگر تأکید می‌شود و گاهی هنر، صدایی رسا و تأثیرگذار در رساندن یک پیام یا مفهوم به کار می‌رود. زمانی هنر ابزار و وسیله‌ای است برای گردآوری داده‌ها، نمایش نتایج و دیگر بخش‌های پژوهش و زمانی از فرایند تولید آن الگوبرداری می‌شود یا آن‌که ویژگی‌های خود هنر و کار هنری، مبنای پژوهش است.

در واقع، هنر از طرق مختلف و متنوع وارد عمل می‌شود و در پژوهش معنا می‌یابد؛ در نتیجه «مسائل و نکاتی که در پژوهش دانشگاهی به طور معمول مشکل یا اشتباه جلوه می‌کند در اینجا به عنوان فرصت و ویژگی رخ می‌نماید» (Kershaw, 2011: 7)، مانند مفاهیم «شکاف‌ها»، «شکست‌های مفهومی» و «فضای مبهم کارآمد» که موضوع کنفرانس انجمن پژوهش هنرمندانه به سال ۲۰۰۷ بود (SAR, 2020). یا کتاب روش‌های پژوهش

برای *تئاتر و اجرا* که تأکید دارد: باید به جای تلاش برای از میان برداشتن و یا کم‌رنگ کردن تمایزات اجزاء ناهماهنگ و نامتجانس بخش‌های مختلف یک پژوهش به این موضوع توجه داشت که قرار گرفتن در فضای مبهم میان مرزها، ابتکار و خلاقیت را برمی‌انگیزد... به گونه‌ای که رابطه میان پژوهشگر و موضوع مورد پژوهش به رابطه‌ای سیال، بداهه و واکنش‌گرا تبدیل می‌شود (Kershaw, 2011: 2).

همان‌طور که اشاره شد، از هشت روش‌شناسی شناخته‌شده، روش «پژوهش کارورزانه (عمل - محور)»، دارای حوزه گسترده‌ای است؛ انواع و تعاریف هر یک از این روش‌شناسی‌ها چنین است: (۱) «آرتوگرافی» که در نام غیر متعارف خود به سه هویت هنرمند، پژوهشگر و معلم اشاره دارد و حرف اول معادل انگلیسی آن بخشی از این عنوان است، دارای روش‌شناسی بنیانی فلسفی است و در حیطه آموزش و بر اساس پرسش‌های پیوسته و نیز همکاری و با هم بودن سه هویت عمل می‌کند؛ (۲) «پژوهش هنر بنیان» (ABR) که بر پایه فرض استفاده از فرم‌های متنوع فعالیت هنرمندانه به عنوان «ابزارهای اصلی» پژوهش و درک تجربه انسانی، گسترش محتوایی به راه‌های شناخت حسی‌تر، گفتمانی‌تر و شهودی‌تر بنا شده است؛ (۳) «پژوهش بر پایه هنرها» که از تمامی ابعاد هنرها و نیز تمامی فرم‌های هنری در کار خود استفاده و آن را عموماً به مثابه «چتری» توصیف می‌کند، مجموعه‌ای از روش‌ها و امکانات مختلف را در بر دارد؛ (۴) «پژوهش بر پایه تصاویر» که در آن تصویر چیزی بیشتر از رنگ و فرم در نظر گرفته و به لایه‌ها و زوایای پنهان آن توجه می‌شود، با «یادگیری چگونه دیدن» می‌توان به آن دست یافت؛ (۵) «پژوهش هنر - آگاه»، در پی این است که هنر چگونه می‌تواند به فرایند پژوهش اطلاعات دهد؟ و به دلیل داشتن ویژگی آگاهی‌بخشی و قدرت آگاه‌سازی و درگیر کردن مخاطب در مواردی نظیر اهداف اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی چگونه بر استفاده از هنر تمرکز دارد؛ و (۶) در «پژوهش هنرمندانه» تمرکز بر نحوه تفکر است و هنرمند خودش در نقش پژوهشگر ظاهر شده و فعالیت هنری او به مثابه پژوهش در نظر گرفته می‌شود. متفکران بر این نوع روش‌شناسی تأکید دارند تا تمایز بین دانش و هنر و فعالیت هنری و پژوهشی را از میان بردارند. از میان آن‌ها، پنج روش‌شناسی، خاستگاهی علوم انسانی و اجتماعی و گاهاً هنری دارند. جایگاه هنر دارای موقعیت همکاری با اندیشمند، پژوهشگر، دانشمند و غیره بوده، به طور مشخص با «قالب»‌های علمی و آکادمیک سروکار دارد. پژوهش هنرمندانه اما، علاوه بر این که از منظر دیگری به روش‌شناسی مبتنی بر هنر می‌نگرد، نظریه پردازان آن نیز از خاستگاه هنری

برخاسته‌اند. جدول ۲، نتیجه‌گیری از این شش روش‌شناسی در قالب یک عبارت کوتاه و شرحی بر آن، طبق مطالعات گسترده انجام شده در این پژوهش است که مجال شرح آن در این مقاله نبود.

جدول ۲ نگاهی بر شش روش‌شناسی مبتنی بر هنر

عنوان	تعریف	کاربست
آرتوگرافی	به مثابه روش‌شناسی فلسفی و ساختارشکن	با هویت پژوهشگر در شکل همکاری بین معلم و هنرمند، یا آموزش و فعالیت هنری طی پرسش‌های مکرر سروکار دارد.
پژوهش هنربنیان	به مثابه یک روش‌شناسی فرایند محور	به پژوهش در شکل ابزاری و تسهیل‌گری هنر و کاربرد فرایند خلق هنر در زمینه‌های مختلف توجه دارد.
پژوهش بر پایه هنرها	به مثابه یک روش‌شناسی مکمل روش کیفی	به اهداف اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، عدالت‌خواهی و غیره توجه دارد و از قابلیت هنرهای متعدد برای این امر استفاده می‌کند.
پژوهش هنر آگاه	به مثابه یک روش‌شناسی دانشی - اطلاعاتی	بر وجه دانشی و تولیدی هنر در زندگی و توجه به لحظات و جریان‌ات روزمره زندگی تأکید دارد.
پژوهش بر پایه تصاویر	به مثابه یک روش‌شناسی بصری	مبنا و اساس کار خود را قابلیت‌های فراوان تصاویر قرار می‌دهد.
پژوهش هنرمندانه	به مثابه یک روش‌شناسی هنری	به فعالیت هنری به مثابه پژوهش می‌نگرد و محصول کار هنری را دانش و علم تلقی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

موضوع روش و روشمندی از دیرباز مورد توجه اندیشه‌انسانی بوده است، زیرا به مدد پژوهشگر آمده، مسیر را هموار می‌کند. این موضوع نیز به نسبت تغییراتی که در طول زمان در جهان اندیشه رخ داده است، تغییر شکل و ابعاد مختلفی یافته است. هنری شدن روش و روشمندی نیز یکی از ابعاد جدید این جهان است که تاکنون در هشت روش‌شناسی مبتنی بر هنر رخ نموده است. بدیهی است که این روش‌شناسی‌ها، هنوز به یک روش‌شناسی کاملاً مدون تبدیل نشده‌اند و همچنان در تلاش‌اند منحصر به فرد و نه به منزله توسعه تحقیقات دیگر دیده شوند. در نتیجه مقالات و متون تولید شده، هنوز به طور مشخص

سازوکار دقیق این روش‌شناسی‌ها را روشن نمی‌کنند. از این امر گریزی نیست، زیرا: روش‌های تحقیق در رشته‌های علمی نیز طی چند قرن گسترش یافته‌اند؛ و روش تحقیق‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی هم حداقل یک قرن قدمت دارند. بدیهی است، با توجه به عظمت و پیچیدگی چالش، تعریف و بیان روش‌های تحقیق هنری به آسانی و یا به سرعت انجام نخواهد شد. ماهیت تحقیق بلندمدت است، بدین معناست که توسعه رویه/روش فرایندی تکاملی است و تنها پس از استفاده مکرر و موفق به منزله رویه/روش‌شناسی اعتبارسنجی شده و نیز همچون تکنیکی «استاندارد» پذیرفته می‌شود (Gray & Malins, 1993). در نگاهی وسیع‌تر به قابلیت‌های روش‌شناسی‌های مبتنی بر هنر، می‌توان دستاوردهای پژوهش حاضر را در قالب برخی از ویژگی‌ها و کاربردهای آن‌ها ارائه کرد:

- ۱) در پی تغییر دیدگاه پارادایمی غالب در پژوهش، راه‌های گوناگون ارتباط با جهان فراهم می‌شود و پژوهش‌های مبتنی بر هنر با دیدگاه چندوجهی خود زمینه‌هایی را فراهم می‌کنند که پژوهشگر بتواند انسان را از جنبه‌های فیزیکی، عاطفی، روحی، اجتماعی و فرهنگی بررسی کند، راه‌ها و شیوه‌های تعامل را تغییر دهد و به معناهای جدید دست یابد.
- ۲) در آمیختگی‌ها و کشاکش‌های سازنده بین پرسش‌گری کیفی و هنرها منجر تعریف دوباره‌ای از فرم پژوهش و ارائه آن شده است؛ فرمی که به درک جدیدی از «فرایند»، «موضوع»، «هدف»، «تحلیل»، «احساسات»، «مسئولیت»، و «ابعاد اخلاقی» «پرسش‌گری» و «جست‌وجو» دست می‌یابد. ۳) با پذیرش هنر به عنوان دانش، گستره دانش تغییر می‌یابد و در نتیجه رهیافت‌های هنرمندانه عرصه‌های جدیدی را به جهان دانش می‌افزاید و خواهد افزود؛ عرصه‌هایی که مانند هنر استثنایی و منحصر به فرد است و یکسره مسیر و نتایج پژوهش را دگرگون خواهد کرد. ۴) تجربه هنری شکل متفاوتی از تفکر را پی می‌نهد که با ورود به عرصه این تفکر متفاوت، جهان متفاوت دیده خواهد شد و پژوهش‌های متفاوتی نیز عرضه خواهد شد. ۵) با فرا رفتن از روش‌های عقلانی، نگرشی متفاوتی از شناخت پدید می‌آید و تجارب جدید و بینشی عمیق کسب می‌شود که در بسیاری از حیطه‌ها و موضوع‌های پژوهش کارآمد است. ۶) همواره سؤال‌های بسیاری در جهان پژوهش، پیش روی محقق قرار می‌گیرد که در ظاهر بی‌پاسخ و غیر معقول است و همین امر موجب معلق ماندن این بخش از دانش و حیات انسانی می‌شود. هنرها راه‌های متنوعی برای پرداختن به این سؤال‌ها پیش می‌نهند. ۷) درک عمیق ساختار هنر می‌تواند جایگاه آن را از نقش‌هایی مانند افزودن رنگ یا افزودن تصویر گویا تغییر دهد و به ساختار روش‌شناسانه آن نزدیک کند.

ساختاری که فرصت جدیدی برای ادراک‌های جدید است. ۸) در هنرها، موقعیت‌ها به تصویر کشیده می‌شوند و ظریف‌ترین حالات وجودی انسانی و جهان در وجهی جلوه می‌کنند که در نگاه عادی دیده نمی‌شوند. «در واقع سهم هنر آشنا کردن پژوهشگر با این بُعد از موقعیت‌هاست... با یادگیری این که چگونه تصاویر هنری را بخوانیم درک این تفاوت‌های ظریف امکان‌پذیر می‌شود (9: Knowles & Cole, 2008). ۹) هنر اغلب تصویر قدرتمندی ایجاد می‌کند که در نتیجه آن دنیا را در قالب آن می‌بینیم تا دنیای خودمان. هنر همیشه تقلیدی از زندگی نیست، بلکه زندگی تقلیدی از هنر است. ما برای توانایی همدلی کردن به درک تجربیات هنرمندان نیاز داریم و برای همین به افرادی نیاز است که هم در استفاده از رسانه و فرم هنری ماهر باشند و هم دارای حساسیت به شرایطی باشند که می‌خواهند ارائه کنند (9: Knowles & Cole, 2008). ۱۰) خلق و ایجاد دو رسالت اصلی هنرهاست و بدین ترتیب فعالیت‌های پژوهشی مبتنی بر هنر، نیز به دنبال کشف دانش نیستند، بلکه در پی خلق و ایجاد دانش‌اند.

سرانجام، اگرچه ممکن است در نگاه اول، هنر ضد روش به نظر برسد، اما ذهنیت انسان امروز این آمادگی را دارد که از ضد روش به منزله یک روش بهره‌گیرد و به نظم نهفته در آشفتگی نظر کند. کار هنرمند چیزی نیست جز نظم بخشی به عناصری مانند فرم و رنگ و صدا و نور و کلمات که در راستای اندیشه یک انسان عمل می‌کنند. این امر، اگر سخت‌ترین کار نباشد، از روش‌مندترین فعالیت‌های بشر است؛ همان چیزی که توجه پژوهشگران تیزبین و خلاق را به خود جلب کرده و روش‌شناسی‌هایی پدید آمده است که یا از نهاد هنر برآمده یا به مدد هنر خلق شده است. از هر زاویه که به این مبحث بنگریم، نتیجه بخش است؛ چه هنر در جایگاه الهام‌بخشی و خلق ایده و ایجاد انگیزه و عمل، چه در جایگاه راهنما و راهبر فرایند پژوهش، یا در نقش پیام‌بر یک راه طولانی تفحص و جست‌وجو. شاید متعالی‌ترین شکل این رویکرد آنجا باشد که خود هنر و کار هنری راهنما و راهبر خویش است و پژوهشگر جهان خویشتن.

منابع

- آتش‌پا، حمیده (۱۳۹۶). عملکرد هنرمندان به مثابه پژوهش، تهران: دانشگاه الزهرا.
 آدامز، لوری (۱۳۸۸). روش‌شناسی‌های هنر، ترجمه علی معصومی، تهران: انتشارات نظر.
 بارنت، سیلوان (۱۳۹۲). راهنمای تحقیق و نگارش در هنر، ترجمه بتی آواکیان، تهران: سمت.

بلیکی، نورمن (۱۳۸۴). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

قره‌بیگی، مصیب (۱۳۹۲). «حقیقت و تنگناهای روش»، پایگاه تحلیل و اطلاع‌رسانی فرهنگ علوم انسانی، قابل دسترسی از: <http://farhangemrooz.com>.

کرمی، مرتضی، حاتمی کیا، سمیه و رویا پورحاجی (۱۳۹۸). «دانش محتوایی تدریس پژوهش: چارچوبی برای تدوین کتب درسی روش تحقیق در علوم تربیتی و روان‌شناسی»، فصلنامه پژوهش و نگارش کتب درسی، ۲۳ (۴۵)، ص ۱۱۸-۱۲۶.

گری، کرول و جولیان ملینز (۱۳۹۴). *بصری سازی پژوهش: روش تحقیق در هنر و طراحی*، ترجمه طاهر رضازاده، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹). *روش در روش: درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

محمدی، حمزه (۱۳۹۱). «نقد و بررسی کتب سه گانه روش شناختی اثر دکتر احمد محمدپور»، سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران، مریوان: سالن همایش‌های دانشگاه پیام نور مریوان [سخنرانی].

- Artistic Research conference in Sweden. (2021). "Swedish Research Council". available from: <https://www.vr.se/>
- Balkema, A. W. & Slager, H. (Eds.). (2004). *Artistic research* (Vol. 18). Rodopi.
- Biggs, M. & Karlsson, H. (Eds.). (2010). *The Routledge Companion to Research in the Arts*. Routledge.
- Borgdorff, H. (2012). *The Conflict of the Faculties: Perspectives on Artistic Research and Academia*, Leiden University Press.
- Burnard, P., Mackinlay, E. & Powell, K. (Eds.). (2016). *The Routledge International Handbook of Intercultural Arts Research*, Routledge.
- De Cosson, A. F. (2003). *(Re) Searching Sculpted A/r/tography: (Re) Learning Subverted-knowing Through Aporetic Praxis* (Doctoral dissertation, University of British Columbia). EARN: European Artistic Research Network (2004). Available from: <https://www.elia-artschools.org>
- Eisner, Elliot W. (1963). "Research in creativity: Some findings and conceptions". *Childhood Education* 39, No. 8, pp. 371-375.
- ELIA: An Empowering Force Within Higher Arts Education (2021): available from: <https://elia-artschools.org>.
- Gray, Carole & Julian Malins (1993). "Research procedures/methodology for artists and methodology for artists and designers", *The Center for Research in Art & Design*.
- Hannula, M., Suoranta, J., Vadén, T., Griffiths, G. & Kölli, K. (2005). *Artistic Research: Theories, Methods and Practices*, Academy of Fine Arts.
- ICQI: International Congress of Qualitative Inquiry (2020). Seventeenth International Congress of Qualitative Inquiry, Available from: <https://icqi.org/>
- Irwin, R. L. & De Cosson, A. (Eds.), (2004). *A/r/tography: Rendering self through arts-based living inquiry*. Pacific Educational Press.
- Irwin, R. L., Pardiñas, M. J. A., Barney, D. T., Chen, J. C. H., Dias, B., Golparian, S. & A.

- MacDonald (2017). A/r/tography Around the World. In The Palgrave handbook of global arts education, pp. 475-496, Palgrave Macmillan.
- Irwin, Rita L. (2013). "Becoming a/r/tography." *Studies in Art Education* 54, No. 3: 198-215.
- JAR: *Journal of Artistic Research* (2020). <https://www.jar-online.net>.
- Kershaw, B. (Ed.). (2011). *Research Methods in Theatre and Performance*, Edinburgh University Press.
- Klein, J. (2010). "What is artistic research", *Research Catalogue*, pp. 1-6.
- Knowles, J. G. & A. L. Cole (2008). *Handbook of the Arts in Qualitative Research: Perspectives, Methodologies, Examples, and Issues*, Sage.
- Leavy, P. (2009). *Method Meets Art: Arts-Based Research Practice*, Guilford Publications.
- LeBlanc, N. & R. L. Irwin (2019). "A/r/tography", In: *Oxford Research Encyclopedia of Education*.
- Pentassuglia, M. (2017). "The Art (ist) is present: Arts-based research perspective in educational research", *Cogent Education*, 4(1), 1301011.
- SAR: Society for Artistic Research (2019). 10th SAR International Conference on Artistic Research. Zurich University of the Arts. available from <https://societyforartisticresearch.org>